



۹۰

دو فصلنامه

علمی-تخصصی

مطالعات تحول

د

علوم انسانی

سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

مقایسه تطبیقی نگرش نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی به مقوله ربا و پیامدهای فضایی آن

ناصر شفیعی ثابت*^۱

صابر صدیقی^۲

چکیده:

شالوده‌های نظری نظام سرمایه‌داری همواره بر مقوله ربا و معاملات ربوی و گسترش آن در اجتماعات انسانی تأکید داشته است. از این رو، فضاهای شهری و روستایی کشورهایی که با الگوی سرمایه‌داری اداره می‌شوند؛ به شدت تحت تأثیر پیامدهای اجتماعی-اقتصادی منفی این مقوله قرار گرفته‌اند. ادامه حیات نظام سرمایه‌داری به وجود معاملات ربوی بستگی دارد. فضای سرمایه‌داری به این واسطه، به شکل فضایی مکانیکی و دوگانه نمود پیدا می‌کند. نظام سرمایه‌داری به واسطه ساز و کارهای ویژه خود در بانک‌ها، مؤسسات مالی و بازارهای پول و غیره، بهره‌نهایی را به صورت نامحدود و مداوم تضمین می‌کند. اما، فعل ربا در دین اسلام و براساس آیه‌های متعدد قرآنی حرام بوده و به مثابه جنگ با خدا و رسولش قلمداد شده است. دین اسلام با محدود دانستن رشد، این مسئله را خلاف قاعده «لا ضرر» و ظلم به جامعه می‌داند و برای هر شخص حقیقی یا حقوقی «اندازه‌ای» قائل است. دین اسلام با حرام دانستن ربا در مسیر فضایی یکپارچه و همگرا حرکت می‌کند. بر این شالوده، نگرش نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی به مقوله ربا از منظر فضایی پیامدهای متفاوت و خاص خود را دارد. بنابراین، تفاوت‌های این دو اقتصاد از جهت محدودیت‌ها و عدم محدودیت‌های رشد است؛ که در اقتصاد سرمایه‌داری منجر به دوگانگی فضایی و شکل‌پذیری روابط اجتماعی-اقتصادی مکانیکی در سطح فضا می‌شود که در این مقاله واریسی شده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد اسلامی، نظام سرمایه‌داری، ربا، دوگانگی فضایی، روابط مکانیکی.

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده مسئول).

N_shafiei@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.

sabersadighi1371@gmail.com

۱- مقدمه

مقوله «ربا»^۱ در دین اسلام همواره نهی شده است؛ اما، در «اقتصاد سرمایه‌داری»^۲ این مقوله امری پذیرفته شده، قلمداد می‌گردد. در چهارچوب اقتصاد سرمایه‌داری معاملات ربوی و ربا منجر به تمرکز پول و «سرمایه»^۳ در لایه‌های خاص اجتماعی و نقاط ویژه فضای جهانی، سرزمینی، منطقه‌ای و محلی می‌گردد. این تمرکز در نهایت در طول زمان منجر به «دوگانگی‌های اجتماعی- اقتصادی و فضایی»^۴ می‌گردد (پیکتی^۵، ۲۰۱۴؛ اسمیت^۶، ۲۰۰۸؛ مارکس^۷، ۱۸۶۷؛ هاروی^۸، ۲۰۱۶). همچنین، از پیامدهای دیگر نظام ربوی مواردی همچون: ترویج فرهنگ سودمحوری، قطع رابطه سرمایه و فعالیت اقتصادی مفید و ایجاد رکود اقتصادی است. علاوه بر این، ربا به مثابه مانعی برای ترویج کارهای نیک، دوگانگی اجتماعی، فضای دوگانه معرفت شناسانه، عقیم کردن پول، عامل اختلاف طبقات درآمدی در جامعه و ظلم می‌شود (حسینی، ۱۳۸۱: ص ۸۷).

در اسلام قرض به منظور گسترش نیکی و احسان در جامعه سفارش شده است. اما، در مقابل ربا چه به شکل «ربای قرضی» و «ربای معاملی» به شدت نهی شده است (علوی، ۱۳۹۰: ۲۹). بخشی از ربا (ربای معاملی) مربوط به تولید است. در وام‌های تولیدی، گاهی وام‌گیرنده ضرر می‌کند؛ اما وامی که بر «بهره ثابت»^۹ مبتنی است، وی را وامی دارد تا اصل وام را همراه با بهره‌اش برگرداند. گاهی نیز وام‌گیرنده، سود هنگفتی به دست می‌آورد؛ درحالی که وام‌دهنده فقط نرخ بهره شرط شده‌ای را که به‌طور معمول، قسمت کوچکی از سودهای واقعی است، دریافت می‌کند (هادوری نیا، ۱۳۹۰: ۴۲). پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که «بهره»^{۱۰} نتیجه‌های ناگواری را برای اقتصاد در پی دارد و باعث ناکارآمدی تخصیص منابع اجتماع و بی‌ثباتی در نظام اقتصادی می‌شود؛ و نیز افزایش بهره مستمر پول‌های وام داده شده را تضمین می‌کند. این امر باعث افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت می‌شود (صدیقی، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۳۰). بدین ترتیب، در یک نظام اقتصادی ربوی، دوگانگی اقتصادی دائماً در طول زمان به واسطه تضمین بهره تشدید می‌شود و عده‌ای بدون این که تلاشی انجام دهند، سرمایه‌دارتر می‌شوند. این دور باطل و این افزایش سرمایه

1. Riba
2. Capitalism economics
3. Capital
4. Socio-economic and spatial dualism
5. Piketty
6. Smith
7. Marx
8. Harvey
9. Interest

۱۰. بهره به خودی خود ربا محسوب نمی‌شود، چرا که بهره به سرمایه تعلق دارد، اما اگر «شرط» بهره از جانب صاحب سرمایه وضع شود، آن قرار داد ربوی است. در صورتی که شرطی صورت نگیرد و صاحب سرمایه در ریسک سرمایه‌گذاری شریک باشد، می‌تواند در نهایت در سود حاصله شریک باشد، که به آن بهره می‌گویند. این نوع بهره در اسلام اشکال شرعی ندارد.

می‌تواند به صورت «نامحدود» ادامه داشته باشد. ادامه این روند باعث می‌شود، «بهره» بار سنگین ضررها را بر دوش کارفرمایان اقتصادی و کارگران قرار دهد که منجر به از دست رفتن کارشان می‌شود.

درواقع، نظام سرمایه‌داری بدون بهره‌گیری از مقوله ربا و معاملات ربوی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. به سخن دیگر، مقوله ربا به مثابه مفهومی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و کالبدی-فضایی نقش مؤثری در شکل‌دهی فضاهای سرمایه‌داری همچون شهرها، روستاها و مناطق جغرافیایی دارد. بدین ترتیب، تعریفی که نظام سرمایه‌داری از «مفهوم فضا» ارائه می‌دهد با تعریف اسلام از مفهوم فضا و وظایف، تکالیف و حقوق واحدهای فضایی به کلی متفاوت است (صدیقی، ۱۳۹۵). فضای اسلامی فضایی یکپارچه است که به دلایل مختلف (که در ادامه به تفصیل واکاوی می‌شود) ربا را حرام می‌داند تا احسان و نیکی در جامعه از بین نرود و به عبارت دیگر روابط سرد و مکانیکی بر جامعه حاکم نگردد.

در نظام سرمایه‌داری، کنشگران اقتصادی به واسطه سرمایه و «ابزارهای تولید^۲»، دائماً ارزش افزوده بیشتری را نسبت به کسانی که سرمایه و ابزار تولید را در اختیار ندارند به خود جذب می‌کنند. از این رو، سرمایه‌دار، بدون انجام هیچ فعالیت کاری، صرفاً به واسطه سرمایه خود، دائماً سرمایه بیشتری را جذب می‌کند و به همین دلیل امروزه شکاف طبقاتی دائماً در حال گسترش است. به عنوان مثال بازار پول را در نظر بگیرید، در این بازار، پول خرید و فروش می‌شود و در زمان سررسید (چون در اول قرارداد شرط وجود دارد، رب است) بهره دریافت می‌گردد. این بهره دریافت شده به علاوه اصل سرمایه اولیه دوباره می‌تواند در مسیر اولیه قرار گیرد و این بار بهره بیشتری را جذب کند و این دور می‌تواند ادامه پیدا کند و هیچ «محدودیتی»

۱. از فضا تعاریف گوناگونی صورت گرفته است. نیوتون فضا را ظرف تهی می‌دانست که به صورت مطلق و بدون توجه به هر چیز خارجی و به صورت مستقل وجود دارد. لایب نیتس و اینشتین به نقد نظرات او پرداخته و فضا را بیشتر نسبی تعریف کرده‌اند تا مطلق. همچنین کانت و هگل فضا را بیشتر امری ذهنی دانسته‌اند. همچنین هایدگر نیز تعریفی اگزیستانسیالیستی (اصالت وجود خاص انسانی) از فضا در فلسفه خود مطرح نموده است. اما، در دانش جغرافیا فضا مانند دیگر مفاهیم مثل زمان، مکان و محیط دارای پویایی خاصی است که این پویایی در تعاریف فراوان آن نمود پیدا کرده است. اما، آنچه در بیشتر تعاریف جغرافیادانان از مفهوم فضا آشکار و مشترک است؛ مقیاس فضاست. یعنی فضا در بیشتر تعاریف علمی-جغرافیایی چشم اندازه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. در واقع چشم انداز سطحی از فضاست و این فضا خود سطوح دیگری نیز دارد. فضا دارای سطوح نقطه‌ای (روستا)، محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای، سرزمینی، جهانی است. بدین ترتیب، فضا را می‌توان همانند ظرفی دانست که محتوای آن را ویژگی‌های محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی شکل می‌دهد. بدیهی است زمانی که از فضای سرمایه داری صحبت به میان می‌آید، منظور فضایی است که محتوای آن را اصول و قواعد (ساختارها) نظام سرمایه داری آن را شکل می‌دهد و از سوی دیگر فضای اسلامی فضایی است که دستورات الهی آن را معنا می‌بخشد و هر کنشی برای قرب الی الله صورت می‌گیرد.

2. Means of production

ندارد. این بهره همان ریاست. نه تنها در بازار پول بلکه در بانک‌ها و سایر بنگاه‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری نیز اساس مناسبات و روابط اقتصادی-اجتماعی بر محور مفهوم ربا بنا شده‌اند.

«فضای اسلامی»^۱ فضایی است که در آن مفهوم «رشد» برای هر کنشگر فضایی بر اساس سوره قمر آیه ۴۹ «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» «حد و اندازه‌ای» دارد. این اندازه، تنها در مسئله کمیت‌ها نیست، کیفیت‌های ترکیبی از این اندازه‌گیری نیز دقیقاً برخوردار است. نظامی که بر روح و روحیات انسان و امیال و غرایز او حاکم است، نیز اندازه‌گیری دقیقی در مسیر خواسته‌های فردی و اجتماعی انسان دارد که، اگر کمترین دگرگونی در آن رخ دهد نظام زندگی فردی و اجتماعی او به هم می‌ریزد. در عالم طبیعت، موجوداتی هستند که آفت یکدیگرند، و هر کدام ترمزی در برابر دیگری محسوب می‌شود. پرندگان شکاری از گوشت پرندگان کوچک تغذیه می‌کنند، و از این که آن‌ها از حد بگذرند و تمام محصولات را آسیب برسانند جلوگیری می‌نمایند، و به این دلیل عمر طولانی دارند. ولی، همین پرندگان شکاری، بسیار کم تخم می‌گذارند، و کم جوجه می‌آورند، و تنها در شرایط خاصی زندگی می‌کنند، اگر بنا بود با این عمر طولانی، جوجه‌های فراوان بیاورند، فاتحه تمام پرندگان کوچک خوانده می‌شد. این مسئله، دامنه بسیار گسترده‌ای در جهان حیوانات و گیاهان دارد که، مطالعه آن انسان را به عمق «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» آشناتر می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۹۱). در اقتصاد اسلامی، یک فرد نمی‌تواند دائماً به واسطه این که سرمایه بیشتری دارد «ارزش افزوده»^۲ بیشتری را به خود جذب نماید و این موضوع دائماً به شکاف طبقاتی دامن بزند. این موضوع مخالف فائده «لاضرر» در اسلام است و با اصل دین اسلام، یعنی عدالت اقتصادی سازگار نیست. به عبارت دیگر، در فضای اسلامی، نمی‌توان انتظار داشت که یک شخص حقوقی یا حقیقی، یک خانوار، یا یک شهر یا منطقه خاص به شدت سرمایه کلانی را انباشت نماید و به واسطه این انباشت سرمایه، دائماً سرمایه بیشتری را جذب کند، در حالی که از سوی دیگر و در نقطه مقابل یک شخص حقوقی یا حقیقی، یک خانوار، یا یک شهر یا منطقه خاص به شدت در تنگنا و سختی باشند و با این که تلاش و کار فراوان می‌کنند باز هم فاصله طبقاتی بنا بر دلایل گفته شده بیشتر و بیشتر می‌گردد.^۴ یعنی سرمایه‌داری که در

1. Islamic space
2. Growth
3. Surplus value

۴. بسیاری از افراد فکر می‌کنند که مالیات تصاعدی می‌تواند مسائل بحران اقتصادی را حل نماید، در صورتی که مالیات تصاعدی تنها می‌تواند روند گسترش فاصله طبقاتی به صورت نامحدود را کند نماید و نمی‌تواند از بروز بحران‌ها و مسائل ذاتی اقتصادی-اجتماعی جلوگیری نماید. برای مثال شخص الف ۱۰۰ واحد در ماه در آمد دارد و شخص ب ۱۰ واحد. شخص الف ۴۰ واحد مالیات و شخص ب ۱ واحد مالیات می‌پردازد. مقدار باقی مانده برای شخص الف در پایان ماه ۶۰ واحد و برای شخص ب ۹ واحد خواهد بود. این اختلاف در آمدی در طول زمان همچنان گسترش می‌یابد و در پایان سال به ۷۲۰ واحد برای شخص الف و ۱۰۸ واحد برای شخص ب خواهد رسید و این فاصله به صورت نامحدود ادامه پیدا می‌کند. این اصل را نه تنها برای درآمد، بلکه می‌توان برای سرمایه نیز

فضای اسلامی زندگی می‌کند، تاندازه‌ای می‌تواند درآمد، سرمایه و ثروت خود را گسترش دهد و از یک حد منطقی (این حد منطقی می‌تواند توسط علماء، فضلا، عالمان، سرمایه‌گذاران و غیره تعیین گردد) نمی‌تواند فراتر رود و فراتر از این حد منطقی متعلق به جامعه و اقشار پایین جامعه می‌باشد. چراکه رشد نامحدود در نهایت منجر به ظلم به گروه‌های مختلف جامعه و خلاف اصل عدالت اقتصادی در اسلام است. بر مبنای مسائل مطرح شده، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

اقتصاد اسلامی چه تفاوتی با اقتصاد سرمایه‌داری از جهت محدودیت‌های رشد دارد؟

نگرش نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی به مقوله ربا و پیامدهای فضایی آن چگونه است؟

۲- پیشینه پژوهش

«ربا» در کلام همه پیامبران و در کتاب‌های آسمانی از جمله تورات (سفر خروج، فصل ۲۲، ۲۶) و انجیل (انجیل متی، فصل ۵، ۱۷-۱۹) حرام شده است؛^۱ تمدن‌های قدیم چین، مصر، یونان و روم؛ و فیلسوفان بزرگ؛ مانند: افلاطون، ارسطو، «کیتو»، «سیسیرو و پلاتوس» نیز ربا را حرام می‌دانستند (سنهوری، ۱۹۶۷ م، ج ۳، ص ۲۱۶). رباخوار از شرکت در معابد و مراسم عشای ربانی، دفن در گورستان مسیحیان و حتی پرداخت صدقه منع می‌شد. تا قرن ۱۲ میلادی ربا (به‌طور عمده ربای مرکب و مصرفی) مخالف حق طبیعی و فطرت شمرده می‌شد. در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ توجه‌های ربا آغاز شد؛ زیرا قرض‌ها به تدریج شکل تولیدی گرفت. مردم و حتی راهبان، پنهانی یا با توسل به حيله، ربا را می‌گرفتند. از قرن ۱۳ میلادی با توسعه تجارت، صنعت و کشاورزی در اروپا نیاز به سرمایه شدت یافت؛ اما تمایلی به اعطای قرض بدون بهره نبود. کلیسا تحت فشار قرار گرفت تا در مسئله بهره (به‌طور عمده بهره قرض سرمایه‌گذاری و غیر مرکب) تجدیدنظر کند. ایده «سن توماس اکوینی» در مشارکت صاحب سرمایه در سود و ضرر، به‌عمد یا جهل، به جواز بهره قرض تولیدی توسعه داده شد (رفیق المصری، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۱۱-۱۱۲). «کالوین»^۲ (۱۵۰۹-۱۵۶۴ م) ضمن تشبیه بهره قرض به اجاره زمین، باور داشت که پول عقیم است؛ اما اگر سرمایه‌گذاری شود و بخشی از سود آن به صاحب پول داده شود، ظلمی اتفاق نمی‌افتد. بعد از کالوین، برخی عالمان مسیحی، حقوقدانان، اقتصاددانان و تاجران برای تجویز بهره کوشیدند تا این که از قرن هفدهم، بهره در اروپا قانونی

به کار برد. یعنی سرمایه صرفاً بواسطه سرمایه بودن خود در نظام سرمایه‌داری، سرمایه بیشتری را جذب می‌نماید و این مسئله زمینه ساز یک دور باطل است. دوری که اقتصاد سرمایه‌داری را دائماً با بحران مواجه می‌سازد. چرا که افراد پرتلاش به‌واسطه نداشتن سرمایه و ابزارهای تولید در طول زمان فاصله اقتصادی خود را با دیگر طبقات به شدت در حال گسترش می‌بینند. در صورتی که افراد صاحب سرمایه و ابزارهای تولید، صرفاً به‌واسطه مالکیت سرمایه و ابزارهای تولید، ثروت بیشتر و بیشتری تولید می‌کنند.

۱. این سخن از امام رضا (ع) روایت شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳، ص ۱۲۱، ح ۳۳).

2. John Calvin

شد (جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، صص ۶۲-۷۰). نظریه‌های مشهور بهره از سوی اندیشه‌ورانی مانند: «بوم باروک»^۱ (۱۸۹۰)، «فیشر»^۲ (۱۹۳۰)، «شومپیتر»^۳ (۱۹۶۰)، «کینز»^۴ (۱۹۷۳) ارائه شده است.

شفیعی ثابت و صدیقی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین کیفیت کالایی شدن^۵ مکان در نظام سرمایه‌داری» نشان دادند که در نظام سرمایه‌داری «مکان»^۶ و فضا تنها به‌مثابه «ابژه‌ای»^۷ صرف (تنها به شکل یک نمود و رخداد عینی یا «شیئی ادراک شده») در نظر گرفته می‌شود؛ «ابژه‌ای» برای «سوژه‌ای»^۸ که در مقابل آن است، نه همراه با آن. ابژه‌ای که الزاماً باید سودی برای سوژه به همراه داشته باشد. این سود مادی و اقتصادی صرف، سرآغاز «کالایی شدن»^۹ مکان و فضا در نظام سرمایه‌داری است. به سخن دیگر، دیالکتیک بین ویژگی‌های ذاتی و درونی نظام سرمایه‌داری مانند «انتزاعی بودن زمان»^{۱۰}، ماهیت سرمایه و «هستی‌شناسی»^{۱۱} و «معرفت‌شناسی»^{۱۲} سرمایه‌داری در نهایت منجر به کالایی شدن مکان و فضا می‌گردند. در واقع نظام سرمایه‌داری تنها با تولید مداوم مکان و فضا می‌تواند به حیات خود ادامه دهد؛ اما، در «پدیدارشناسی»^{۱۳}، مکان و فضا، فرصتی برای بودن زندگی کردن را برای انسان‌ها فراهم می‌آورد. در واقع مکان و فضا مفهومی صرفاً اقتصادی نیستند؛ بلکه پدیده‌ای هستند که در طول زمان (زمان انضمامی)^{۱۴} و در قالب روابط اجتماعی معنای خود را می‌یابد؛ اما در نظام سرمایه‌داری مکان و فضا توسط سرمایه‌گذار به‌منظور کسب سود تولید می‌گردد. از این‌رو، با کالایی شدن مکان و فضا، انسان و جامعه نیز هویت و

1. Bohm
2. Fisher
3. Schumpiter
4. Keynes
5. Commodification
6. Place
7. Object
8. Subject

۹. کالایی شدن موضوع بسیار مهمی است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اما کالا چیست؟ در کتاب سرمایه، یک پدیده، تنها در صورتی می‌تواند کالا باشد که برای دیگری دارای ارزش مصرف باشد و درجایی بتوان آن را مبادله کرد تا سودی حاصل آید (مارکس، ۱۹۷۶). به عبارت دیگر، مثلاً محصولات که یک کشاورز تولید می‌نماید و خود نیز آن محصولات را مصرف می‌نماید، را نمی‌توان کالا نامید. در واقع کالا آن چیزی است که برای فروش و کسب سود در بازار عرضه می‌گردد. به عبارت دیگر کالا، هم دارای ارزش مصرف و ارزش مبادله است. کالایی شدن به فرآیندی اشاره دارد که یک پدیده، فرهنگ، ایده، اجزاء بدن، اخلاق، زمین، مکان، زمان و ... به‌مثابه یک کالا و یک ابژه در نظر گرفته می‌شوند که برای دیگری دارای ارزش مصرف هستند و می‌توان آن‌ها را برای کسب سود در بازار مورد معامله قرارداد.

10. Abstract time
11. Ontology
12. Epistemology
13. Phenomenology
14. Concrete time

پیشینه فرهنگی-تاریخی را از دست خواهند داد. در ادامه نشان داده شد که «رشد نامحدود»^۱ اقتصادی در نظام سرمایه‌داری منجر به دوگانگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در نهایت فضایی (بالاشهر-پایین شهر و مرکز-پیرامون) می‌گردد.

صدیقی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «کالایی شدن فضای جغرافیایی در نظام سرمایه‌داری» نشان داد که ابزارهای تولید و نیروی کار در نظام سرمایه‌داری به کمک تکنولوژی همواره موجب خلق ارزش افزوده می‌شوند، اما سرمایه به کار رفته در جریان تولید همراه با ارزش افزوده ایجاد شده می‌تواند دوباره در نقطه ابتدایی این چرخش اقتصادی قرار گیرد و دوباره ارزش افزوده بیشتری را جذب نماید. اما از آنجایی که نظام سرمایه‌داری و نگاه‌های اقتصادی مثل بانک بر اساس سیستم ربوی اداره می‌شوند، این چرخش نامحدود و بی‌پایان می‌تواند حتی در جریان تولید هم به کار نرود و به صورت تضمینی بهره‌هایی را نصیب صاحبان سرمایه گرداند. این دور باطل و نامحدود می‌تواند موجب دوگانگی‌های اجتماعی-اقتصادی و البته فضایی گردد و در طول زمان (زمان‌های انضمامی) این دوگانگی‌ها تشدید می‌گردد. اما مهم‌ترین نکته‌ای که در این نوشتار به آن توجه شده است، بحث ابزارهای تولید می‌باشد. در واقع، فضا در نظام سرمایه‌داری به مثابه یک ابزار تولید و ابزاری برای کسب سود در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که در فلسفه «هایدگر»^۲، فضا و و «فضامندی»^۳ در ارتباط با وجود انسانی قرار دارد (*Human exists spatial*). در نتیجه می‌توان کالایی شدن فضا را زمینه‌ای برای کالایی شدن وجود انسانی در نظر گرفت.

صدیقی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی مفهوم فضا-زمان در نظام اسلامی و سرمایه‌داری» نشان داد که از نظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مفهوم فضا در نظام اسلامی و سرمایه‌داری با یکدیگر تفاوت‌هایی را دارند. نظریات فون تونن (کاربری زمین)^۴، فرانسوا پرو (قطب رشد)^۵ و رویکردهای نئولیبرالیسم^۶ به آزادی سرمایه در فضا و رفع موانع فضایی و همچنین پروژه‌های تعدیل ساختاری^۷ که نگاه هستی‌شناسانه صرفاً اقتصادی را به فضا روا داشته‌اند، در نهایت موجب دوگانگی معرفت‌شناسانه فضا را فراهم می‌آورد. در نقطه مقابل در فضای اسلامی، کنشگران عرصه‌های فضایی در راستای دستورات خداوند و اصول اقتصاد اسلامی عمل می‌کنند و در نهایت فضایی را رقم می‌زنند که یکپارچه و پیوسته است و اصالت قدرت در چنین فضایی نزد خداوند و نه سرمایه است.

روشن و هاشمی (۱۳۹۳) در مقاله با عنوان بهره، ربا، و ارزیابی دلایل حرمت آن به لحاظ اقتصادی به بررسی موضوع بهره و مقایسه پیامدهای آن از دیدگاه نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی پرداخته است. همچنین به تأثیرات مخرب بهره بر اقتصاد و نقش آن در ایجاد بحران‌های اقتصادی پرداخته شد. در ادامه،

1. Unlimited growth
2. Martin Heidegger
3. Spatiality
4. Von Thunen's Model of Land Use
5. François Perroux's A Growth Pole theory
6. Neoliberalism approach
7. Structural adjustment

به اثرات حذف بهره در نظام اقتصاد اسلامی در مقایسه با نظام اقتصاد سرمایه‌داری بر هزینه‌ها، سطح تولید و عرضه کل پرداخته شد. در پایان نشان داده شد که بهره و ربا در نهایت همانند یک گردابی حجم نقدینگی را به سوی خود می‌بلعد و جز بی‌کاری و تورم آثار دیگری بر اقتصاد جامعه نخواهد داشت.

موسویان (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره» با مقایسه نظام مشارکت و نظام بهره، بازتاب جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره بر متغیرهایی مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع درآمدها و رفاه عمومی را تجزیه و تحلیل و مزایای جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره را بیان و سپس نتیجه‌گیری می‌کند که با حذف بهره و جایگزینی مشارکت، نه تنها مشکل اساسی در اقتصاد رخ نمی‌دهد، بلکه همه متغیرهای اساسی وضعیت بهتری خواهد داشت.

خواجه احمدی و سراج زاده (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مفهوم بهره» ابتدا به بررسی مبانی فکری و تاریخی که منجر به پیدایش بهره شد و سپس به آثار و نتایج بهره به عنوان نتیجه قهری نظام بازار و نقد بهره و مبانی فکری آن با توجه به آموزه‌های اسلامی، پرداخته‌اند.

موسویان و میسمی (۱۳۹۳)، در بخشی از کتاب خود با عنوان «بانکداری اسلامی، مبانی نظری - تجارب عملی» ضمن بررسی ماهیت ربا در فقه اسلامی و بهره در اقتصاد متعارف و تبیین نسبت آن‌ها با یکدیگر، به ارزیابی و نقد توجیهاتی که توسط برخی برای مشروع جلوه دادن بهره بانکی ارائه شده پرداختند. نتایج بیانگر این است که بهره بانکی یکی از انواع ربای محرم در اسلام بوده و لذا امکان استفاده از بانکداری متعارف در چارچوب اسلامی وجود ندارد.

رستم نژاد و حسینی کوهساری (۱۳۸۸) در مقاله مختصری با عنوان «روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی»؛ ابتدا اصول و مبانی بنیادین همچون لزوم تناسب روش‌ها با اهداف، مبانی و اصول اقتصاد اسلامی، لزوم تناسب هدف مشروع با روش مشروع، خصوصیت چند روشی در اقتصاد اسلامی، وجود امور ثابت و متغیر در اقتصاد اسلامی، وجود اوامر ارشادی و مولوی، تأثیر زمان و مکان در اقتصاد، تأثیر گستره مذهب بر اقتصاد اسلامی، تأثیر عقل در استنباط قوانین اسلامی و وجود عناصر موقعیتی و جهان‌شمول را برای عمق‌بخشی به مباحث روش‌شناسی مطرح نموده است. سپس با توجه به این اصول و مبانی، روش استقراء، روش تفسیر موضوعی بیرونی، روش بهره‌گیری از قضایای اقتصادی اخباری اسلامی، روش امضاء، روش کشف، روش نظام‌مند و روش تأسیس را برای مطالعات اقتصاد اسلامی در پژوهش‌های قرآنی پیشنهاد می‌دهد.

موسویان (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بهره عامل یا مانع توسعه اقتصادی» بیان داشت که به اعتقاد اکثر اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری، اقتصادی که در آن، «بهره» نباشد، مبتلا به تناقض درونی بوده در کوتاه‌مدت کارایی و در بلندمدت، حیات خود را از دست می‌دهد. برای مثال «پرایور» در مواجهه با اقتصاد اسلامی که درصدد حذف بهره است با لحن کاملاً انتقادی می‌گوید:

«موضوع به زبان ساده از این قرار است که اگر نرخ بهره‌ای وجود نداشته باشد پس انداز کل کاهش می‌یابد و چنین اقتصادی از تشکیل سرمایه و تبع آن از ادامه حیات باز خواهد ماند».

چنین تفکری، اقتصاددانان سرمایه‌داری را بر آن داشته که به بیان‌های مختلف گاه در توجیه حقانیت بهره و گاه در مقام اثبات علمیت و ضرورت اقتصادی «بهره» بکوشند و آن را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه اقتصادی بدانند. در این نوشتار نشان داده شده است که برخلاف تصور رایج در اقتصاد سرمایه‌داری، پدیده بهره، هیچ مبنای حقوقی و توجیه اقتصادی صحیحی ندارد و می‌تواند از اقتصاد حذف شود.

واعظ برزانی و ایزد خواستی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نقش بهره پولی در بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری: رویکرد اسلامی» باینکه بحران‌های اقتصادی یکی از پدیده‌های رایج اقتصاد سرمایه‌داری است، به صورت تحلیل نظری با رویکرد اسلامی به بررسی نقش نرخ بهره پولی در بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری پرداختند. نتایج بیانگر این است که نرخ بهره پولی، نقش مهمی در محدود کردن سطح اشتغال و تولید دارد و باعث تورم و نا اطمینانی در اقتصاد می‌شود و همچنین مانع تخصیص بهینه منابع و رسیدن اقتصاد به وضعیت تعادل پایدار می‌شود.

۳- تعریف مفاهیم و مبانی نظری

۳-۱- **تعریف ربا از نظر لغوی و فقهی:** از نظر لغوی به مطلق زیادی «ربا» گفته می‌شود. چنانچه در المعجم الوسیط در تعریف ربا آمده است: «الفضل و الزیاده» (انیس و منتصر، ۱۳۶۷: ۳۲۶). اما در اصطلاح فقهی شامل ربای قرضی و ربای معاملی است که به تفکیک به تعریف آن‌ها می‌پردازیم.

الف) ربای قرضی

ربای قرضی بدین صورت است که مقرض پول یا جنسی را به مقترض به شرط زیادت قرض بدهد و این زیادت حتماً لازم نیست که از جنس همان چیزی باشد که به قرض داده می‌شود، بلکه هر چه را منفعت تلقی شود شامل می‌شود. از حضرت رسول (ص) رواست شده است: «کل قرض یجر نفعاً فهو حرام». امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: شرط زیادت در قرض چه به صورت صریح باشد یا به صورت ضمنی، ربا و حرام است و بین شرط زیادت عینیه (مثلاً ده درهم قرض بدهد و دوازده درهم باز پس گیرد) و یا شرط منفعت و انتفاع (مثل انتفاع از عین مرهونه) و یا حتی شرط صفت بهتر (مثلاً درهم مکسوره قرض بدهد و درهم صحیح باز پس گیرد) و یا شرط انجام عملی (مثل دوختن لباس برای قرض دهنده) فرقی نیست (امام خمینی، الجزء الاول، القول فی القرض، مسئل ۹: ۶۵۳).

ب) ربای معاملی

امام خمینی در تحریر الوسیله در خصوص ربای معاملی آورده‌اند: «هو بیع احد المثلین بالآخر مع زیاده عینیه او حکمیه و الاقوی عدم الاختصاص الربا بالبیع بل یجری فی سائر المعاملات کالصلح و نحوه» (امام

خمینی (ره)، الجزء الاول، القول فی الربا: ۵۳۶). در ادامه توضیح می‌دهند که ربای معاملی به دو شرط زیر تحقق می‌یابد: اولاً، اتحاد جنسی از نظر عرفی؛ بنابراین، وقتی در عرف به وحدت جنسیه بین دو چیز حکم کردند، بیع آن‌ها به تفاضل جایز نیست اگرچه در صفات یا بعضی از خواص باهم فرقی داشته باشند. ثانیاً، ثمن و مثنی، مکیل یا موزون باشند. بنابراین، چیزهایی که به صورت عدد یا مشاهده فروخته می‌شوند، در آن‌ها ربای معاملی وجود ندارد.

در کتاب «الربا فقیها و اقتصادیا» در تعریف ربای معاملی آمده است: «قول مشهور این است که هو مبادله او معاوضه المتماثلین اذا قدر بالکیل اوالوزن و زادهما علی الآخر و زیادی شامل زیادی حقیقی است که به ربایزاید یا ربالفصل نامیده می‌شود. مثلاً یک کیلو گندم را به یک کیلو و نیم گندم بفروشد و هم شامل زیادی حکمی است که به ربالنسیئه معروف است. مثلاً یک کیلو گندم نقد را به یک کیلو و نیم گندم نسیه بفروشد» (جواهری، ۱۴۰۵: ۱۲۵).

از لفظ «مبادله او معاوضه» در این تعریف استنباط می‌شود که بنا بر قول مشهور ربای معاملی اختصاص به بیع ندارد بلکه شامل سایر معاملات و معاوضات نیز می‌گردد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که ربای معاملی به سه شرط تحقق پیدا می‌کند: اولاً، ثمن و مثنی یا عوض و معوض هم‌جنس باشند. ثانیاً، مکیل یا موزون باشند. ثالثاً، در یکی از طرفین زیادی اعم از حقیقی یا حکمی وجود داشته باشد.

۳-۲- ربا در قرآن

اولین آیه نازل شده در مورد ربا آیه ۳۹ سوره روم است که در مکه نازل شده است: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيُرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ». آن مالی که به دیگران داده‌اید تا به ازای این اعطاء، مال بیشتری به دست آورید، آن مال نزد خدا زیاد نمی‌شود.

دومین آیه نازل شده در خصوص ربا آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران است. این آیه دومین آیه‌ای است که به طور تشریحی حرمت ربا را بیان می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا به صورت اضعاف مضاعف نگیرید و از خدا بترسید شاید رستگار شوید و بترسید از آتش دوزخی که برای کافران فراهم شده است.

سومین آیه‌ای که در آن لفظ ربا آمده است آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء هستند. این آیات اشاره به نهی ربا در ادیان گذشته و نافرمانی امت‌های پیشین از احکام الهی دارد:

«فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّلْنَاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ أَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلْهُمُ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) به خاطر جلوگیری بسیار آن‌ها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن‌ها حلال بود،

حرام کردیم. و (همچنین) به خاطر ربا گرفتن، درحالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم به باطل؛ و برای کافران آن‌ها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم».

همچنین در آیات ۲۷۵ تا ۲۸۰ سوره بقره خدای سبحان علاوه بر بیان مجدد حرمت تشریحی ربا و تأکید بر آن، با لحن بسیار شدیدی به مبارزه با رباخواری پرداخته که نظیر آن درباره دیگر گناهان و معاصی به ندرت یافت می‌شود. در ضمن این آیات به نکات بسیار مهمی اشاره دارد.

در آیه ۲۷۵ سوره بقره می‌خوانیم: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْثُهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ آن‌ها که ربا می‌خورند بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که شیطان به جنون آشفته‌اش کرده است. این از آن‌روست که گفتند: دادوستد صرفاً مانند ریاست؛ در صورتی که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است. پس اینک کسی که از پروردگارش پندی به او رسد و بازایستد، آنچه گذشته از آن اوست و کارش با خداست و هر که به (رباخواری) بازگردد؛ پس آنان دوزخیان‌اند و در آن ماندگارند.

این مجازات دردناک یک دلیل بر حرمت ریاست. سپس می‌افزاید این مجازات رسواگر به دلیل این است که آن‌ها می‌گفتند: دادوستد و ربا همانند یکدیگر است؛ یعنی هر دو سودآور و هر دو طبق قرارداد انجام می‌شود (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا). درحالی که خودشان هم می‌دانند چنین نیست، دادوستدهای مشروع در مسیر منافع جامعه انسانی است و اگر سودی عاید فروشنده یا خریدار می‌شود سودی هم عاید جامعه می‌گردد و نیازها برطرف می‌شود، درحالی که رباخواران همچون زالو خون مردم را می‌مکند و بی‌آنکه خدمتی کنند ثروت‌های عظیمی به بار می‌آورند. به همین دلیل خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. این تعبیر دلیل دیگری بر تحریم ریاست.

در آیه ۲۷۶ سوره بقره که به دنبال آیه ۲۷۵ آمده خداوند می‌فرماید: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»؛ خدا ربا را تباه و صدقات را افزون می‌کند و او هیچ کفران پیشه گناهکاری را دوست نمی‌دارد. این آیه نخست می‌گوید: خداوند ربا را نابود می‌کند (در واقع یعنی بی‌برکتی را متوجهش می‌کند) و کمک به نیازمندان و انفاق در راه خدا را افزایش می‌دهد. «یَمْحَقُ» از ماده «محق» به معنی «نقصان» یا «هلاکت» است و آخر ماه را از این جهت محاق می‌گویند که هلال ماه به قدری کوچک می‌شود که ناپدید می‌گردد.

در آخرت نیز روشن است به فرض که آن اموال را در راه خدا انفاق کرده باشند چیزی عایدشان نمی‌شود چرا که خداوند جز اموال پاک و حلال را نمی‌پذیرد و اصل قرآنی «انما يتقبل الله من المتقين»؛ خدا فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد» (مائده/۲۷) همه‌جا حاکم است. رباخواری فقر و بدبختی می‌آفریند و جامعه را به تباهی می‌کشد، تباهی جامعه مایه درد و رنج همه است، رباخواران نیز در آتش فقری که برای جامعه فراهم کرده‌اند می‌سوزند، در یک جامعه بدبخت کسی نمی‌تواند خوشبخت زندگی کند. در هر حال آغاز آیه شریفه مذمت و تهدیدی برای رباخواران است و آخر آن یعنی جمله «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»

به وضوح دلالت بر حرمت ربا دارد؛ چرا که در این قسمت از آیه، هم نسبت «کفر» به رباخواران داده شده و هم نسبت اثم (گناه) که تأکیدی بر معنی کفر است.

در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره مسئله تحریم ربا به وضوح بیشتری مشاهده می‌شود. نخست روی سخن را به همه افراد باایمان و خداجوی کرده و با صراحت و قاطعیت می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و آنچه از مطالبات ربا باقی مانده رهاسازید اگر ایمان دارید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر مؤمنید از خدا بترسید و باقی مانده ربا را واگذارید.

جالب این که هم در آغاز آیه خطاب به مؤمنان است و هم در پایان آیه ترک رباخواری را نشانه ایمان می‌شمرد و جمله ذروا (رها کنید) امر است و امر دلالت بر وجود دارد؛ به خصوص این که با جمله «ان کنتم مؤمنین» همراه شده است. آیه هنگامی نازل شد که آلودگی به رباخواری بطوری گسترده مردم مکه و مدینه را فراگرفته بود، و قرآن دستور داد وام‌های ربوی در هر مرحله‌ای هست متوقف گردد. سپس با لحنی فوق‌العاده تهدیدآمیز می‌افزاید: اگر فرمان الهی را - دایره ترک رباخواری - اطاعت نکنید خدا و پیامبرش به شما اعلان جنگ می‌دهد. «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»؛ و اگر (این کار را) نکنید پس به جنگی از جانب خدا و رسولش آگاه باشید). بسیاری گمان می‌کنند مفهوم این جمله آن است که «شما اعلان جنگ با خدا کنید» درحالی که جمله «فأذنوا» با توجه به مفهوم لغوی آن معنایش این است که خدا و پیامبر به شما اعلان جنگ می‌دهند و معنی و مفهومش این است که پیغمبر اکرم (ص) از آن زمان مأمور شد که اگر رباخواران دست از کار زشت خود نکشند با توسل به اسلحه و نیروی نظامی آن‌ها را بر سر جای خود بنشانند.

به هر حال چنین تعبیر تندی در هیچ آیه از قرآن درباره هیچ گناهی از گناهان وارد نشده و نشان می‌دهد که رباخواری از دیدگاه اسلام تا این حد خطرناک و پر مفسده است و در پایان آیه برای این که حق و عدالت رعایت گردد می‌افزاید: «هرگاه توبه کنید می‌توانید سرمایه‌های خود را از بدهکاران (بدون سود) باز پس بگیرید و به این ترتیب نه ظلم و ستم کنید و نه بر شما ظلم و ستمی می‌شود: (و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون)؛ و اگر توبه کردید اصل مال از آن شماست؛ نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بیند).

۳-۳- نظام سرمایه‌داری: افزایش کار روزمزدی، پولی شدن روابط اجتماعی - اقتصادی و تولید برای عرضه به بازار و کسب سود را می‌توان مهم‌ترین مشخصه شیوه تولید سرمایه‌داری قلمداد کرد. (داب و دیگران، ۱۳۵۹). اگرچه این موضوع بدیهی است که کار روزمزدی، استفاده از پول در روابط اقتصادی و همچنین تولید برای فروش در بازار همواره در شیوه تولید پیش سرمایه‌داری وجود داشته است؛ اما، از قرن ۱۶ میلادی به تدریج تحولی کیفی و گذار به مرحله جدیدی از روابط اجتماعی - اقتصادی پدیدار گشته است (دراگون و زیبارت، ۲۰۱۷). در نظام جدید، کار روزمزدی به دلیل تغییرات و تحولات روابط

مالکیت در عرصه‌های روستایی مانند غصب اراضی دهقانان در فنوذهای انگلستان به شدت افزایش یافت از طرف دیگر نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد شهری به نیروی کارمزد محور، این افراد بی زمین را روانه شهرها کرده است (هولتن^۱، ۱۹۸۵). همچنین با اختراع دستگاه‌های چاپ کاغذ، پول از شکل سکه به شکل کاغذی خود درآمد. از این رو، مبادله تجاری و حمل پول‌های کاغذی به مراتب نسبت به سکه‌های فلزی آسان‌تر بوده است. (بلوخ، ۱۳۶۳). از سوی دیگر با اهمیت یافتن تأمین سرمایه‌های مالی هزینه‌های کشتی رانان و تجار که قصد سفر به نقاط دور مثل شرق هند و قاره آمریکا را داشتند، سرمایه‌داری به صورت گسترده‌تری در روابط اقتصادی اروپا پدیدار گشته است. همچنین در شیوه تولید پیش سرمایه‌داری اجناس عموماً توسط جامعه محلی مصرف می‌شدند. این بدین معنی نیست که تولید کالا به هیچ‌عنوان وجود نداشته است؛ بلکه، تولید بیشتر برای مصرف در سطح محلی صورت می‌گرفته است و در کنار آن تجارت و بازار نیز وجود داشته است. اما، در شیوه تولید سرمایه‌داری به خصوص از قرن ۱۶ به بعد تولید به منظور فروش در بازار مهم‌ترین ویژگی روابط اقتصادی است (فرگوسن^۲، ۲۰۰۸).

در تعریف نظام اقتصادی سرمایه‌داری بیان می‌شود: «نظام مذکور، سازمانی است که در آن اکثریت اموال، دارایی‌ها و ابزار تولید به‌طور خصوصی مورد تملک واقع شده و بازار به‌عنوان ابزار تخصیص منابع و ایجاد درآمد محسوب می‌شود» (مکیان و ناصری، ۱۳۹۴: ۱۱). در تعریفی دیگر: «نظام اقتصاد سرمایه‌داری مجموعه‌ای از نهادها و اندیشه‌های کلیدی است که اساسی‌ترین اندیشه‌ها، مشروعیت تملک خصوصی بر ابزار تولید است و اصلی‌ترین نهاد بازار در آن کنترل نشده است». هر دو تعریف با وجود تفاوت‌های ظاهری، دو عنصر مالکیت و تخصیص را به‌عنوان محورهای شناسایی نظام سرمایه‌داری مورد تأکید قرار داده‌اند؛ بنابراین اساسی‌ترین رکن‌های نظام سرمایه‌داری عبارت‌اند از: انجام مبادله آزاد فعالیت‌های تولیدی در قالب بازار، در دست داشتن قیمت‌ها توسط کارگزاران خصوصی، وجود بازار رقابت و حضور کم‌رنگ دولت در این نظام اقتصادی است (دادگر، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

۴- روش تحقیق

در این پژوهش برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، از روش «تحلیل محتوا^۳» استفاده شد. در یک تعریف ساده می‌توان روش تحلیل محتوا را فنی برای آشکارسازی یا توصیف نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها یا نمادهای به کاررفته در یک متن دانست. این روش عمدتاً در رسانه‌های گروهی مانند مطبوعات، کتاب‌ها، نشریات و رادیو و تلویزیون مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما، امروزه دامنه کاربرد آن به سایر علوم نظیر علوم اجتماعی نیز گسترش یافته است. تعریف زیادی از این روش صورت گرفته از جمله روشی منظم برای بررسی محتوای اطلاعات ثبت شده (بیابان‌گرد، ۱۳۸۶: ۳۰۹) و یا یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل

1. Holton
2. Ferguson
3. Content analysis

آماري که در تجزيه و تحليل کمي و آماري انواع مختلف محتوا (متن، پيام، اثر، سند) اعم از کتاب، فيلم، اثر باستانی و جز آن‌ها به کار می‌رود (نکونام، ۱۳۸۶: ۳۱۳). تحليل محتوا مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است که در آن محتوای ارتباطات از طريق به‌کارگیری عینی، منتظم قواعد مقوله‌بندی، به اطلاعاتی تغییر شکل می‌یابند که می‌توانند خلاصه شوند و باهم مقایسه گردند (اسنودان، ۲۰۰۲: ۱۳).

۵- یافته‌های تحقیق

بر اساس واکاوی مطالعات و تحقیقات پیشین همچنین مرور منابع مختلف در ارتباط با موضوع پژوهش در این مبحث ویژگی‌ها و خصوصیات فضای اسلامی و فضای سرمایه‌داری و پیامدهای فضایی مفهوم ربا در نظام سرمایه‌داری نشان داده شده است (جدول ۱).

جدول شماره ۱- مقایسه مشخصات و ویژگی‌های فضای نظام سرمایه‌داری و دین اسلام.

شرح	فضای سرمایه‌داری	فضای اسلامی
نگرش	اقتدارگرایانه	ارتباطی
رویکرد	اقتصادی	اقتصادی، اجتماعی، محیطی و دینی
محوریت	سود مادی	سود مادی و معنوی
اصالت قدرت	سرمایه	خدا و مردم (خلیفه الله)
معرفت‌شناسی	سوژه-ابژه	پیوستگی و یکپارچگی جامعه
هستی‌شناسی	ابژه یا ابزار سودآوری	فرصت تعالی‌شان انسان
تاریخ‌مندی	خطی (انقطاع از حافظه تاریخی)	دورانی (دارای خاطره و معنا)
زمان	انتزاعی	انضمامی

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس واکاوی ادبیات موضوع و پیشینه موضوع.

۵-۱- شیوه تولید ربا محور و دوگانگی معرفت‌شناسانه فضا

در نظام سرمایه‌داری برای صاحب سرمایه نیز تحصیل درآمد خالص دائم به نام بهره امکان‌پذیر است. مشخصه این درآمد خالص این است که وجودش مرهون عدم فعالیت شخصی سرمایه‌دار است، و صاحب سرمایه بدون هیچ گونه فعالیتی، این درآمد به سمت او جریان می‌یابد. در نتیجه به نظر می‌رسد این درآمد، در یک حالت خاص از سرمایه به بیرون تراوش می‌کند، یا با استفاده از استعاره خیلی قدیمی، بهره از سرمایه متولد می‌شود. بهره از هر سرمایه‌ای ممکن است به دست آید و تفاوت نمی‌کند سرمایه از چه نوع کالایی تشکیل شده باشد و سرانجام درآمد بهره بدون هیچ نوع استهلاکی و در نتیجه بدون هیچ محدودیت

زمانی به سوی سرمایه‌دار جریان دارد (روشن، ۱۳۹۳: ۴۵). به عبارت دیگر، اندیشمندان اقتصادی خاستگاه بهره را سرمایه می‌دانند. و سرمایه را دارای این قابلیت می‌دانند که خود منشأ بهره شود. به طور کلی پدیده بهره، تصویری از یک چیز بی‌جان (سرمایه) است که کالاهای پایدار و بی‌پایان را عرضه می‌کند. و این پدیده قابل توجه، در زندگی اقتصادی همراه بانظم کاملی ظهور پیدا می‌کند که درست همه پنداشت‌ها از سرمایه مبتنی بر آن بوده‌اند (رجایی، ۱۳۸۶).

در نظام سرمایه‌داری، سرمایه‌دار به واسطه تضمین نرخ بهره، همواره سرمایه بیشتری را جذب می‌نماید. چون سرمایه‌دار اصل سرمایه به اضافه مقداری بهره را در زمان انتزاعی مقرر جذب می‌نماید. این مقدار اضافی به علاوه اصل سرمایه دوباره می‌تواند در نقطه ابتدایی قرار گیرد و دوباره بهره بیشتری به چنگ آورد. در واقع، در اقتصاد سرمایه‌داری، همواره سرمایه به دنبال انباشت و انباشت به دنبال انباشت بیشتر است. به سخن دیگر، آنچه منجر به تشدید این دوگانگی اقتصادی می‌شود، ساختار ربوی نظام سرمایه‌داری است که با تضمین میزان بهره سرمایه، زمینه دوگانگی اقتصادی و به تبع آن اجتماعی - فرهنگی را فراهم می‌سازد. بانک‌ها به عنوان رکن کنشگران اقتصادی جامعه سرمایه‌داری، بر اساس ربا فعالیت می‌کنند و بازارهای مالی نیز بدین گونه عمل می‌کنند. به طور کلی دوگانگی اقتصادی را می‌توان خصلت ذاتی نظام سرمایه‌داری به حساب آورد که این دوگانگی می‌توان بدون «هیچ محدودیتی» به پیش رود.

در یک نظام ربوی، ارزش افزوده‌ای که توسط جامعه تولید می‌شود، در اختیار و تسخیر مالکان سرمایه قرار می‌گیرد. بدون این که صاحبان سرمایه در ریسک سرمایه گذاری شریک باشند. صاحبان سرمایه در هر شرایطی بهره نهایی خود را در زمان سررسید قرارداد به دست می‌آورند و نهادهای قانونی و رسمی جامعه سرمایه داری هم از چنین ساز و کاری حمایت و پشتیبانی می‌کنند. بدین ترتیب، روابط اقتصادی جامعه، در بعد اجتماعی نیز نمود پیدا می‌کند. چون حاصل و نتیجه فعالیت‌هایی که افراد و گروه‌ها انجام می‌دهند، تحت مالکیت «دیگری»^۱ قرار می‌گیرد. این «دیگری» همان «سوژه» دکارتی^۲ است که دیگران را همانند ابژه و ابزار سودآوری می‌بیند. در واقع، در یک جامعه ربوی، بهره بار سنگین ضررها را بر دوش کارفرمایان اقتصادی و کارگران قرار می‌دهد. و چنین مکانیسمی نه به صورت کاملاً مشخص در دو یا چند طیف اجتماعی، بلکه در تمامی سطوح و قشرهای اجتماعی - اقتصادی جامعه سرمایه داری اعمال می‌شود. کنشگران اقتصادی و افراد حاضر در اجتماع احساس ابژه بودن می‌کنند. این موضوع به مثابه «بیگانگی از خود»^۳ و «کالایی شدن روابط اجتماعی»^۴ مطرح می‌شود. در جامعه سرمایه داری ما با دو گروه از انسان‌ها مواجهیم: خریدار و فروشنده.^۵ در واقع در روابط اجتماعی هر کنشگر یا یک فروشنده است که ارزش مصرفی را برای «دیگری» فراهم می‌آورد و یا یک خریدار که «ارزش مصرفی» را که «دیگری» برای او

1. Other
2. René Descartes
3. Aliniation
4. Commodification of Social relationship
5. Seller and buyer

فراهم آورده است را به چنگ می آورد. دیگری برای او به رسمیت شناخته نمی شود و یا این که اگر هم به رسمیت شناخته شود به منظور این است که ارزش مصرفی را برای او فراهم می آورد. بدین ترتیب، دیگری برای او کالایی است که «ارزش مبادله^۱» را داراست (مارکس، ۱۹۷۳).
 آدام اسمیت^۲ در کتاب ثروت ملل^۳ این گونه بیان می کند که: «هر کس که پیشنهاد معامله ای را با دیگری می کند منظورش این است آن چیزی که تو داری و من طالب آن هستم به من بده و در عوض چیزی که من دارم و تو می خواهی از آن تو خواهد بود؛ حس خیر خواهی و بشر دوستی گوشت فروش و نانوا نیست که غذای ما را تأمین می کند، بلکه توجه آن ها به نفع خودشان است که موجب این کار می شود» (اسمیت، ۱۹۷۰: ۱۵). اما، ایثارگران و شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس نشان دادند که ارزش مصرف و ارزش مبادله مفاهیمی نیستند که بتوانند انسان دینی و انسان الهی را تعریف نمایند. در واقع، تعریف انسان، اجتماع و روابط اجتماعی از اساس در اسلام و سرمایه داری با یکدیگر تفاوت های بنیادینی دارند. همین تفاوت ها است که در فضای اسلامی و فضای سرمایه داری نمود پیدا می کند.

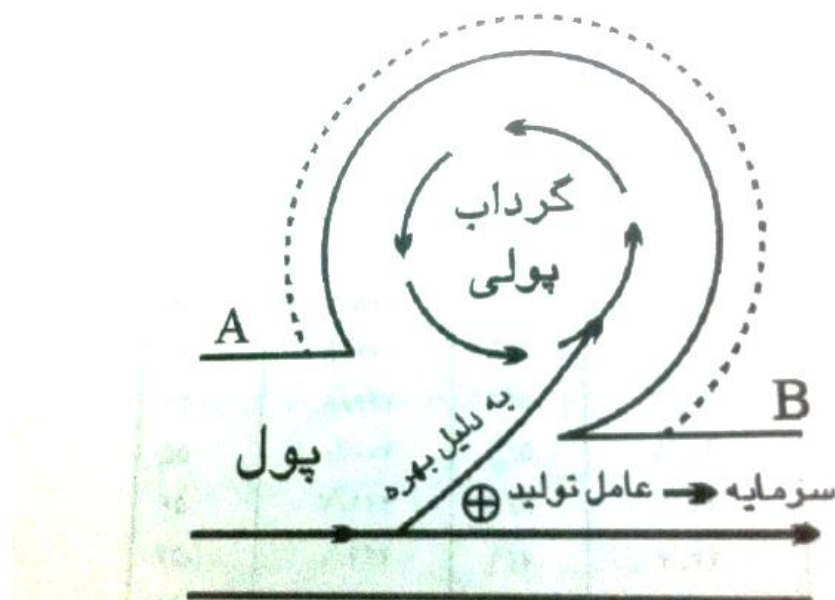
۵-۲- شیوه تولید سرمایه داری و دوگانگی های فضایی

معاملات ربوی باعث می شود؛ سرمایه جریان عادی خود را از سمت چپ به راست ادامه دهد ولی در این مسیر گردابی وجود دارد که سرمایه را از جریان عادی خارج کرده و وارد آن می شود. این گرداب را، گرداب پولی می نامیم. در این گرداب به پول، بازدهی به نام بهره تعلق می گیرد که این بازدهی بیش از نرخ سود سرمایه گذاری است (پیکتی، ۲۰۱۴؛ توتونچیان، ۱۳۷۹). سرمایه بالقوه (یعنی همان پول) از مسیر اصلی خارج شده و وارد این گرداب می شود که گرچه برای وام دهندگان و سفته بازان در بازار پولی درآمد ایجاد می کند ولی نه تنها باعث افزایش تولید و اشتغال نمی شود بلکه به عنوان هزینه به قیمت تمام شده محصولات ساخته شده اضافه شده و موجب عدم تعادل ناشی از بیکاری و تورم (به دلیل قدرت خلق پول بانکداری ربوی) و نیز رکود تورمی می گردد. همین درآمد حاصل در بازار پولی است که موجب تقاضای مازاد است. این گرداب با رشد اقتصاد سرمایه داری رابطه مثبتی دارد یعنی هر قدر به حجم فعالیت های اقتصادی اضافه شود، این گرداب وسیع تر و عمیق تر خواهد شد (توتونچیان، ۱۳۷۹).

1. Exchange value

2. A, Smith

3. The Wealth of Nations



شکل شماره ۱- گرداب پولی حاصل از بهره (ربا) و خروج سرمایه از جریان عادی خود. مأخذ: توتونچیان، ۱۳۷۹

علاوه بر این، ربا و خروج سرمایه از جریان عادی خود باعث شکل پذیری دوگانگی اقتصادی و شکل گیری طبقه‌ای سرمایه‌دار و ثروتمند خواهد شد. از آنجایی که فضا نیز در این شرایط اقتصادی به سطح کالایی تقلیل یافته است، سرمایه‌دارها در فضاهایی سکونت می‌کنند که ارزش پولی بیشتری داشته باشد. بدین ترتیب، فضای شهرها فضای نابرابر و فضای جهانی نیز فضایی ناهمگن و نابرابر خواهد بود. چون در عرصه جهانی فضاهای گوناگون فرصت‌های مختلفی را به سرمایه‌گذارها می‌دهند تا سرمایه خود را در آنجا به کار اندازند و ارزش افزوده بیشتری کسب کنند (لباو^۱، ۲۰۰۷). این تمایزها در شهرهای بزرگ آشکارتر بوده و معمولاً با «جدایی گزینی فضایی^۲» همراه است؛ یعنی قشر بندی و نابرابری اجتماعی جلوه‌ای فضایی پیدا می‌کند (ساوی و وارد^۳، ۱۹۸۰: ۹۲).

در نظام سرمایه‌داری، همان‌طور که طبقه سرمایه‌دار، سرمایه‌دارتر می‌شود؛ مناطق جغرافیایی هم بدین گونه عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، برخی مناطق فقیر و فقیرتر و برخی مناطق غنی و غنی‌تر می‌شوند. بدین ترتیب، فاصله اجتماعی - اقتصادی بین مناطق مختلف جغرافیایی، بیشتر و بیشتر می‌گردد؛ و در نهایت فضایی را مشاهده می‌کنیم که دوگانگی ویژگی بارز آن محسوب می‌شود (تیکامیر^۴، ۲۰۰۰).

1. Lobao
2. Spatial segregation
3. Savoy and ward
4. Tickamyer

۶- فضای اسلامی

در علوم انسانی اسلامی، که الگوی اقتصادی اسلام از آن منتج می‌شود، به جای اصالت انسان، اصالت را به خدا می‌دهد و همه انگاره‌های زندگی انسان‌ها را از دید خدا می‌بیند. از این رو، احکام و حدود الهی که به دو شق ایجابی و سلبی مثل: نهی از رباخواری و قماربازی و امر به انفاق و پرداخت صدقه تقسیم می‌شود، در چارچوب این نگاه است که معنی می‌یابد. از سوی دیگر، قرآن، مفاهیم خاص اقتصادی خودش را دارد؛ مفاهیمی همچون بیع، یدالله، رزق، صدقه، قرض الحسنه، خمس، زکات، ربا، انفاق، برکت و غیره، که مبتنی بر این مفاهیم، نهادهای اقتصادی طرح‌ریزی می‌شوند.

فضای اسلام از نظر معرفت‌شناختی فضایی یکپارچه است که دوگانگی در آن راه ندارد. همان‌طور که نشان داده شده است، دوگانگی حاصل وجود ربا و به رسمیت شناختن آن و رشد نامحدود سرمایه در جامعه است که بر اساس روایات و احادیث موجب از بین رفتن احسان و نیکی در جامعه می‌شود. به عبارت دیگر شیوه تولید سرمایه‌داری در نهایت موجب کالایی شدن روابط و یا به عبارت دیگر سرد شدن و ماشینی شدن روابط می‌گردد. به همین دلیل قرآن قرض را برای افزایش همبستگی و رأفت در جامعه قراردادده است.

رشد اقتصادی در نظام سرمایه‌داری می‌تواند به صورت نامحدود ادامه پیدا کند. اما، میزان سرمایه و نقدینگی موجود در جامعه نامحدود نیست و حدی دارد. از این رو، با سرمایه‌دارتر شدن برخی‌ها، برخی دیگر فاصله خود را دائماً با طبقه دیگری در حال گسترش می‌بینند. بدین ترتیب، گروهی هر چه بیشتر کار می‌کنند، فاصله بیشتری بین طبقات پدید می‌آید. چراکه این سرمایه و ابزار تولید تحت مالکیت افراد خاص است که سرمایه‌ها را جذب می‌کند. به سخن دیگر، در فضای اسلامی رشد نامحدود به خصوص در مباحث اقتصادی مخالف با قاعده «لا ضرر» در اقتصاد اسلامی است و با اصل عدالت اقتصادی دین سازگار نیست. در واقع، فضای اسلامی، فضایی نامحدود نیست بلکه هر کنشگر فضایی در اسلام دارای قضا و قدر و اندازه‌ای است و نمی‌تواند رشد نامحدودی داشته باشد. چراکه رشد نامحدود در یک جامعه می‌تواند به ضرر دیگر کنشگران تمام شود.

در اقتصاد اسلامی ربا به دلایل زیر حرام شده است:

۱- ظلم: ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در اسلام، اصل اساسی و خدشه‌ناپذیر است. عدالت در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلومات. نه این است که آنچه دین گفته، عدل است بلکه آنچه عدل است، دین می‌گوید (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۴). برقراری عدالت در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان و از جمله در عرصه فعالیت‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف ادیان الهی و دین مبین اسلام است (حدید: ۲۵).

ربا به دلیل این که مقدار پول اضافی را از یک شخص حقیقی یا حقوقی به دیگری منتقل می‌کند، بدون این که دیگری کاری را به ازای آن مقدار پول اضافه یا سرمایه اضافه انجام داده باشد. از این رو، در معاملات ربوی همواره ظلمی صورت گرفته است؛ خواه ظالم یا مظلوم از آن آگاه باشند یا نباشند.

۲- ربا عامل اختلاف طبقات درآمدی در جامعه: نظام ربوی موجب ایجاد اختلاف طبقاتی شدید در جامعه می‌شود که در آن طبقه قوی، طبقه ضعیف را از بین می‌برد. رباخوار همواره سود می‌کند و در مقابل قرض

گیرنده تمام ریسک مال را متحمل می‌شود. بدیهی است که رباخواران در چنین جامعه‌ای روزه‌روز غنی‌تر و دیگر اقشار فقیرتر خواهند شد و اختلاف طبقاتی عمیقی در جامعه حاکم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰: ۴۱).

۳- عقیم بودن پول: نظریه معروف «عقیم بودن پول» که توسط ارسطو مطرح شده، مورد توجه خیلی قرار گرفته است، بر اساس این نظریه شرط کسب سود و درآمد از دارایی این است که آن دارایی مواد باشد؛ یعنی درحالی که مملوک است به نحوی از انحاء بر ارزش آن افزوده شود. ارزش افزوده می‌تواند به وسیله کاری که بر روی دارایی صورت می‌گیرد یا به واسطه اثری که آن دارایی به حکم طبیعت تولید می‌کند، مثل میوه برای درخت یا به واسطه انتقال و در دسترس مصرف کننده قرار گرفتن، ایجاد شود. اما اگر دارایی شرایط فوق را نداشته باشد و افزایش ارزش نیابد، به اصطلاح قابلیت سرمایه واقع شدن و تولید درآمد را ندارد. پول یکی از دارایی‌هایی است که صرفاً نقش ابزاری در جهت تسهیل مبادله دارد و از همین رو خود نمی‌تواند مولد ثروت باشد. پول قادر نیست که با بقای خود در ملک مالک اثر بارز تولید کند و لذا هرگونه زیادی بر آن، ربا و حرام است. تنها در صورتی سرمایه‌گذاری پول مشروع است که پول در جریان تجارت، مضاربه، صنعت یا فلاحت قرار گیرد. یعنی مالکیت پول را تبدیل به مالکیت اشیائی کند که مولد هستند (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۷۱).

۴- ربا مانع ترویج کارهای نیک (دوگانگی اجتماعی، فضای دوگانه معرف شناسانه): اسلام به برخی اصول در روابط اجتماعی و فردی اهمیت فراوانی می‌دهد و به مقولاتی، چون تراحم، تعاطف، همکاری، همیاری، تأمین نیازمندان، همدردی، روابط انسانی و ... توجه بسیاری دارد. یکی از مهم‌ترین ادله در تحریم ربا، ترویج فرض‌الحسنه و دیگر فعالیت‌های سالم اقتصادی است. به‌طور کلی، انفاق، صدقه، فرض‌الحسنه، در برابر رباخواری قرار دارند. این‌ها کارهای نیک خواهانه‌ای است که رواج رباخواری مانع رشد و گسترش آن‌ها می‌شود. اگر ربا حلال باشد، فرض‌الحسنه از جامعه رخت برمی‌بندد و افراد تمایلی به تجارت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی ندارند؛ زیرا فرض ربوی سود بیشتر و ریسک کمتری نسبت به دیگر فعالیت‌های اقتصادی دارد. بنابراین، ربا مانند یک بیماری کل اقتصاد را فرامی‌گیرد و فرض ربوی به فعالیت‌های اقتصادی غالب مردم تبدیل می‌شود. روایات متعددی نیز بر این معنا دلالت دارند:

امام رضا (ع): علت تحریم ربا در نسیه، از بین رفتن کارهای نیک و نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رها کردن فرض است و حال آنکه فرض از کارهای نیک است و نیز ربا سبب فساد و ظلم و از دست رفتن ثروت‌هاست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۱۲۱).

امام صادق (ع): همانا خداوند ربا را به این علت حرام کرده است که مردم از کارهای خیرخواهانه امتناع نورزند (همان: ۱۱۸).

قرض زنده کردن روح تعاطف و تراحم است و در مقابل ربا، روح فساد و تباهی به بار می‌آورد. رواج هر یک از این دو به منزله از رونق افتادن دیگری است. اسلام با حرام دانستن ربا تلاش دارد تا قرض‌الحسنه را

در جامعه رواج دهد. شهید مطهری (ره) هم احیای قرض را به‌عنوان مهم‌ترین فلسفه تحریم ربا دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۶۲).

۵- قطع رابطه سرمایه و فعالیت اقتصادی مفید و ایجاد رکود اقتصادی: قرض ربوی، موجب قطع رابطه سرمایه و فعالیت اقتصادی می‌شود و به دلایل ذیل عامل رکود در جامعه است:

الف) در جامعه‌ای که ربا جایز باشد، صاحبان سرمایه بدون اینکه به خود کمترین زحمتی بدهند، همواره از یک شغل قطع‌بندی بدون ریسک برخوردار می‌شوند. این روش کسب درآمد موجب می‌شود که فرهنگ کسب درآمد بدون زحمت در جامعه شایع شود؛ زیرا دیگر صاحبان سرمایه قیدی ندارند تا در فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند و همواره قرض ربوی می‌دهند و سود خود را می‌برند.

ب) توزیع عادلانه ریسک و بازده در قرض ربوی باعث می‌شود وام‌گیرنده بجای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی مفید، سعی نماید تا مال را در فعالیت‌های کوتاه‌مدت، پربازده، کم ریسک و حتی مضر سرمایه‌گذاری کند و در فعالیت‌های اقتصادی تولیدی که همواره با ریسک همراه است، سرمایه‌گذاری نکند. (فلسفه ربا در اسلام).

ج) در عقد قرض، قرض دهنده سرمایه را تملیک می‌کند و دیگر کاری ندارد که این مال در چه راهی به کار می‌رود. عدم نظارت بر مال قرض داده‌شده از جانب قرض دهنده، قطع رابطه سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی را سبب می‌شود. به عبارت دیگر، از آنجاکه قرض دهنده کاری به نحوه مصرف مال قرض داده‌شده ندارد، حتی ممکن است سرمایه از فعالیت‌های مفید خارج گردد و در فعالیت‌های مخرب بکار گرفته شود (حسینی، ۱۳۸۱: ۸۸). در روایات نیز نابودی اموال یکی از آثار ربا و علل تحریم آن خوانده شده است. علاوه بر این آیات قرآن نیز بیانگر سنت الهی در نابود کردن اموال ربا دارد (سوره بقره: ۲۷۶).

۶- ترویج فرهنگ سودمحوری: قرض ربوی یکی از قراردادهایی است که موجب می‌شود سرمایه‌دار بدون مشارکت در ریسک فعالیت‌های اقتصادی و بدون دخالت در زحمات فرآیند سرمایه‌گذاری، ضمن حفظ اصل سرمایه خود مقدار سود معینی را نیز دریافت کند. دریافت سود بدون دردسر در قرض ربوی باعث می‌شود این قرارداد جذابیت زیادی در بین صاحبان سرمایه داشته باشد. به همین سبب، اگر ربا حلال باشد، صاحبان سرمایه حتماً از قرض ربوی برای کسب سود استفاده می‌کردند و سراغ دیگر قراردادها و فعالیت‌های اقتصادی نمی‌رفتند.

۷- نتیجه‌گیری

خداوند در خلقت تمامی موجودات اندازه‌هایی قراردادی که سلامت و تکامل موجودات به آن وابسته است (ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم) (قمر/ ۴۹) به‌راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است (طلاق/ ۳). اگر موجودی در سیر و حرکت خویش از حدود مقرر خارج شود، از تکامل بازمی‌ماند و چه‌بسا نابود شود. یکی از قوانینی که در فطرت انسان تعبیه شده میل به کمال مطلق است. یعنی هر انسانی بر اساس میل درونی خود تمایل دارد همه‌چیز را به‌صورت پایان‌ناپذیر در اختیار داشته باشد. می‌دانیم که در

طبیعت هیچ چیز مطلق یافت نمی‌شود و این میل به کمال طلبی در حقیقت گرایش به پرستش کمال مطلق است. حال اگر فطرت خداجوی انسان در مسیر نادرست قرار گیرد یعنی انسان در دنیای محدود، مطلق‌ها را جستجو کند، ناهنجاری‌ها بروز خواهند کرد. (حق‌شناس و ذاکری، ۱۳۷۸). بدین ترتیب، فضای سرمایه داری فضایی دوگانه و ماشینی است که روابط اجتماعی در آن به سردی می‌گراید. در مقابل فضا اسلامی فضایی است که یکپارچه، پیوسته و روابط اجتماعی مبتنی بر مهر و نزدیکی استوار است. برشالوده کتاب سرمایه، مهم‌ترین تفاوت نظام سرمایه‌داری در مقابل دیگر نظام‌ها در ادوار مختلف، باز بودن سیستم سرمایه‌داری است. باز بودن نظام سرمایه بدین معناست که برخلاف نظام فئودالیسم که منابع قدرت مثل زمین محدود بوده‌اند، در نظام سرمایه‌داری، سرمایه می‌تواند به شکل‌های مختلف نیروی کار، پول و زمین و یا هر چیز دیگر درآید و به شکل نامحدود و بی‌پایان و دائماً سرمایه‌های بیشتری را جذب نماید. «توماس پیکتی»^۱ در کتاب «سرمایه در قرن ۲۱» نشان داد که بازگشت سرمایه معمولاً بزرگتر از نرخ کلی رشد اقتصادی است. بنابراین، مالکیت سرمایه در طول زمان قسمت بزرگتر و بزرگتری از کیک اقتصادی را در بر می‌گیرد.

امروزه در توسعه‌یافته‌ترین کشورها، بیشترین ثروت موجود در جامعه را کمترین افراد در اختیار دارند. اما در اسلام برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده شده است. در واقع در فضای اسلامی یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا یک بنگاه اقتصادی نمی‌تواند به شکل نامحدود سرمایه‌های عظیمی را به سوی خود جذب نماید. چون بسیاری از افراد جامعه زحمت و مشقت‌های فراوانی را تحمل می‌کنند و در نهایت ارزش‌افزوده‌ای که حاصل می‌شود در تسخیر سرمایه‌دار قرار می‌گیرد؛ نه بدان دلیل که سرمایه‌دار زحمت بیشتری کشیده است، بلکه به دلیل این که از ربا، رانت، ابزارهای تولید و سرمایه فراوان بهره می‌برد. بدین ترتیب، در اسلام، یک کنشگر فضایی از نقطه‌ای به بعد و از سطحی به بالاتر (سطح منطقی) دیگر نمی‌تواند مالک بهره‌های دریافتی باشد و این بهره‌ها به جامعه منتقل می‌شود تا ظلمی به دیگر افراد و گروه‌ها وارد نشود و جلوی تشدید شکاف طبقاتی گرفته شود.

1. Thomas Piketty
2. Capital in 21 century

- السنهوری عبدالرزاق. (۱۹۶۷)، الوسيط في شرح القانون المدني، ج ۳، قاهره: داراحياء التراث، ص ۲۱۶.
- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، انتشارات توانگران، چاپ اول. تهران.
- تفسیر نمونه. (۱۳۷۴)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامیه، چاپ بیست و نهم، ج ۲۳، ص ۹۱.
- حسینی، سید هادی. (۱۳۸۱)، حکمت‌های تحریم ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حرعاملی، محمد. (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل البیت (ع)، چاپ اول، قم.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۸۱)، ربا؛ بوستان کتاب، قم.
- جواهری، حسن محمد تقی. (۱۴۰۵ ق)، الربا فقیها و اقتصادیا، مطبعه الخی ام، قم.
- خواجه احمدی، حمید، سیدمحمدجواد سراج زاده. (۱۳۹۵)، نگاهی به مفهوم بهره، مجله اقتصادی، سال هفتم، شماره، ۱۱، صص ۱-۱۰.
- داب، موریس و دیگران. (۱۳۵۹)، گذر از فنودالسم به سرمایه‌داری. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات توکا.
- دادگر، یدالله. (۱۳۷۸)، نظام سرمایه‌داری از زبان اقتصاددانان سرمایه‌ای، مجله کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۱۴۶-۱۷۳.
- رجایی، سید کاظم. (۱۳۸۶)، پایه‌های نظری بهره در مقایسه با مشارکت و چرخش عملی به سمت مشارکت، مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۳-۸.
- عطر کار روشن، صدیقه؛ هاشمی، زهرا. (۱۳۹۳)، بهره، ربا و ارزیابی دلایل حرمت آن به لحاظ اقتصادی، فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ششم، صص ۳۹-۶۴.
- رستم‌نژاد، مهدی؛ سید مفید حسینی کوهساری. (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی، دوفصلنامه علمی ترویجی قرآن و علم، دوره چهارم، صص ۳۳-۶۴.
- رفیق المصری، یونس. (۱۴۰۷ ق)، مصرف التنمیه الاسلامی؛ بیروت: موسسه الرساله.
- رستم‌نژاد، مهدی؛ سید مفید حسینی کوهساری. (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی، دوفصلنامه تخصص قرآن و علم، شماره ۴، صص ۳۳-۶۴.
- ساوج، مایک؛ آلن وارد. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابولقاسم پور رضا، سمت، تهران.
- شفیعی ثابت، ناصر؛ صدیقی، صابر. (۱۳۹۵)، صابر تبیین کیفیت کالایی شدن مکان در نظام سرمایه‌داری، مطالعات تحول در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۶، صص ۳۴-۶۰.
- صدیقی، محمد نجات الله. (۱۳۸۱)، حکمت تحریم بهره در وام‌های تولیدی و مصرفی، ترجمه علی اصغر هادوری نیا، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۲۳-۱۳۰.

- صدیقی، صابر. (۱۳۹۶)، کالایی شدن فضای جغرافیایی در نظام سرمایه‌داری، ششمین کنفرانس الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، تهران.
- صدیقی، صابر. (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی مفهوم فضا-زمان در نظام اسلامی و سرمایه‌داری، اولین کنگره ملی-دانشجویی عملیاتی کردن اقتصاد اسلامی در بستر ایران، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- علوی، سید یحیی. (۱۳۹۰)، فلسفه تحریم ربا، دوفصلنامه تحقیقات مالی-اسلامی، سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، صص ۲۵-۵۶.
- موحدمنش صادق علی. (۱۳۸۳)، بررسی اجمالی ربا از دیدگاه قرآن، پیک نور-علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۴۵.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۱)، آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵، صص ۵۹-۸۶.
- موسویان، سید عباس؛ میسمی، حسین. (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی، مبانی نظری -تجارب علمی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم.
- مارک بلوخ، جامعه‌شنودالی، ترجمه بهزاد باشی. (۱۳۶۳)، انتشارات آگاه، جلد اول، تهران.
- موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۷)، بهره عامل یا مانع توسعه اقتصادی، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده علوم اداری و اقتصادی، http://www.civilica.com/Paper-IEDC01-IEDC01_022.html.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۸)، بهره عامل یا مانع توسعه اقتصادی، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مکیان، سید نظام الدین؛ ناصری، شهناز. (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری، فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هشتم، پاییز، صص ۷-۲۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱)، مسئله ربا به ضمیمه بیمه، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۰)، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، انتشارات هدف، چاپ اول، قم.
- واعظ برزانی، محمد؛ ایزد خواستی، محمد. (۱۳۹۰)، تحلیل نقش نرخ بهره پولی در بحران‌های نظام سرمایه‌داری: رویکرد اسلامی، فصلنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۷۷-۱۰۴.
- هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۹۰)، رفتارشناسی اقتصادی انسان مادی گرا از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۵۷-۷۶.
- Bohm, Bawerk. (1890) "Capital and Interest: A Critical History of Economical Theory"; Macmillan Co, London.
- Cristiano Antonelli, Agnieszka Gehringer. (2017) Technological change, rent and income inequalities: A Schumpeterian approach, Technological Forecasting and Social Change, Vol. 115, pp 85-98.
- Davide Dragone, Nicolas R. Ziebarth. (2017) Non-separable time preferences, novelty consumption and body weight: Theory and evidence from the East German transition to capitalism, Journal of Health Economics, Vol. 51, pp 41-65.
- Fisher, Irving. (1930) "The Theory of Interest"; Macmillan Co, London.
- Harvey, D. (2016) the Ways of the World, profile books LTD, London.

- Keynes, J. M. (1973) "The General Theory of Employment, Interest and Money"; Macmillan Co, London.
- Lobao, Linda M., Gregory Hooks, and Ann R. (2007) Tickamyer, eds. The sociology of spatial inequality. SUNY Press.
- Marx, Karl. (1973) [1939] Grundrisse, Harmondsworth: Penguin.
- Marx, Karl. (1867) Capital, Volume I, and London: Penguin.
- Marx, Karl. (1885) Capital, Volume II, London: Penguin.
- Marx, Karl. (1894) Capital, Volume III, London: Penguin.
- Neil Smith. (2008) Uneven Development: Nature, Capital and Production of Space, Third edition, The University of Georgia Press, Athens and London.
- Nial, Ferguson. (2008) the Ascent of Money: A Financial History of the World, the Penguin Press, and New York.
- R. J. Holton. (1985) the Transition from Feudalism to Capitalism, Macmillan Education, St. Martin's Press, Inc., 175 Fifth Avenue, New York.
- Schumpeter, Joseph A. (1960) the Theory of Economic Development; Oxford University Press.
- Smith, A. (1970) the Wealth of Nations, Pelican, London.
- Thomas Piketty. (2014) capital in the twenty-first century, translated by Arthur Goldhammer, the Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts, London.

